

کارگردانی حسین تبریزی، تهیه‌کنندگی مهدی کریمی و میثم آهنگری و نویسندگی فریدون حسن پور را به خود اختصاص داده‌اند.

روند انتخاب بازیگر تا باز نویسی چندباره فیلمنامه

حسن پور هر چه کار درون گیلان ساخته، به همان مقدار بیرون آن هم کار ساخته با این حال سه‌گانه‌ی گیلانی او موفق است. شاید این به همان دلیل استفاده از تجربه‌ی زیسته در کودکی برای آفرینش اثر در بزرگسالی باشد. همان طور که ام‌الله احمدجو، «تفنگ سرپیر» و «روزی روزگاری» را تقریباً در یک اقلیم ساخت و موفق بود، حسن پور هم در گیلان، دست پُرتی دارد. یکی از عوامل موفقیت سریال سوگان، انتخاب بازیگران با آزمون‌های چندمرحله‌ای و دقیق است. حسین تبریزی در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که هر بازیگر باید با شخصیت خود تطابق داشته باشد و توانایی درک عمق داستان را داشته باشد. این انتخاب‌های دقیق شامل هنرمندان با تجربه مانند بهزاد فراهانی، ثریا قاسمی و هنرمندان جوان و با استعداد مانند غزاله اکرمی و علی مرادی می‌شود.

همچنین برای افزایش اصالت صحنه‌ها، کارگردان تصمیم گرفت از مردم محلی برای برخی نقش‌های فرعی استفاده کند. این بازیگران غیر حرفه‌ای که اغلب ساکنان همان روستاها بودند، تحت آموزش کوتاه مدت قرار گرفتند و در چندین صحنه ایفای نقش کردند. بسیاری از صحنه‌های سریال در فضای باز و تحت شرایط سخت آب و هوایی فیلم برداری شده است. تیم تولید در برخی روزها با بارندگی شدید و سرما مواجه بوده است، اما این شرایط به واقع گرای بی‌شتر سریال کمک کرده است.

سپروس کفایش، مدیر فیلمبرداری سریال «سوجان» هم در گفت‌وگویی درباره سختی‌های تولید و ساخت دکور و بازسازی فضاهای قدیمی به دلیل ساخت و سازهای وسیعی که در شمال صورت گرفته است، گفت: ما در «سوجان» خیلی دکورسازی داشتیم. یعنی هر جایی می‌رفتیم، باید دکور می‌زدیم. چون باید به دهه ۱۳۱۰ بر می‌گشتیم. در خطه شمال دوربین هر جا می‌چرخید، ویلا و برج‌های آن چنانی می‌دیدیم که بر ایمان معضل بود.

فیلمنامه سریال سوگان نیز چندین بار بازنویسی شده است تا جزئیات داستان کاملاً با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی هماهنگ باشد. فریدون حسن پور می‌گوید که هر بار که فیلمنامه را می‌نوشتند، احساس می‌کردند چیزی کم است و دوباره روی آن کار می‌کردند. ابتدا برنامه ریزی شده بود که سریال در ۵ فصل و مجموعاً ۳۰۰ قسمت ساخته شود، اما به دلیل محدودیت‌های بودجه تعداد قسمت‌ها به ۶۲ کاهش یافت. این تغییر باعث شد تیم تولید برای فشرده سازی داستان و حذف برخی خطوط فرعی داستانی تلاش کنند.



**سریال سوگان
پراز قصه‌های
شخصیت‌های فرعی
است. از غلام و
اسکندر و خسرو خان
و انیس بگیر تا پرویز
و سهراب و جاوید تا
بی بی تی تی و بانو و
امیر حسین**

برادرش فردی طماع و فرصت طلب است و همسرش «زبیا» (با بازی هنرمندانه بازیگر توانمند استان، شیرین محسنی) هم زنی پول پرست و تندخو است که رفته رفته در موقعیت‌های مختلف نقاب از چهره آنها برداشته می‌شود.

داستان شخصیت‌های دیگری هم دارد؛ «سهراب»، یک جوان غیور و وفادار روستایی، برادرش «جاوید»، فردی با احساس و بی‌ریا و «فرانک» همسر جاوید که زنی ساده و زلال است. «نجمه»، خواهر این دو برادر و همسرش «غلام»، کدخدای خودخوانده روستا!

روستای گل تپه سریال سوگان، اربابی خبیث و فریبکار دارد به نام «خسرو خان» (با ایفای نقش خوب و متفاوت سید مهرداد ضیایی) که اهالی محل و البته بینندگان سریال می‌خواهند که سر به تنش نباشد؛ بس که زورگو، قاتل و پلید است.

«انیس» دختری داغدار و خشمگین است که در قسمت‌های اولیه سریال پدر و مادرش (مصطفی و مرضیه) یکی یکی به دست خسرو خان و همسرش (شهین) کشته شدند، بنابراین او که طی قضایایی به راز این جنایت‌ها پی برده است قصد انتقام گرفتن از آنها را دارد.

پرویز، بهاره، ستاره، سوسن، طلا و ثریا جفرودی، سهرنگ فرزاد منفرد، حشمت خان جفرودی و ... هم هر یک نقش‌هایی از این سریال به

دو سال طول کشیده، بازیگران توانسته‌اند راکورد بازی و به خصوص لهجه‌ی خود را خوب حفظ کنند و نمره‌ی قابل قبولی می‌گیرند، به خصوص بازیگران بومی گیلانی سوگان.

مروری بر دیگر شخصیت‌های سریال

در بیش‌تر سریال‌های حسن پور از جمله «گذر از رنج‌ها»، «ز یادرفته» و «خانه‌ی پدری» (در مقام کارگردان) و «سوجان» در مقام مؤلف، او از یک دختر جوان به عنوان قهرمان استفاده کرده است. گرچه تمامی داستان‌ها در بستر خانوادگی و یا حضور شخصیت‌های اصلی و فرعی و خرده‌داستان‌های فراوان دیگر از جمله مسائل ارباب‌رعیتی رخ می‌دهند اما آن دختر جوان است که بار اصلی قصه را به دوش می‌کشد.

سریال با داستان دخترزاد بودن همسران خان یکی از روستاهای گیلان در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد آغاز می‌شود، جرمی نابخشودنی که همیشه تاریخ زنان متهم بی‌گناه این پرونده بوده‌اند. خان که برای پسردار شدن به دنبال زن چهارم بود، در یک نگاه عاشق «بانو» (جوانی مادر جان) می‌شود، بانو و «میرحسین» (تازه عروس و داماد) از دستش فرار می‌کنند و در جنگل‌های اطراف پنهان می‌شوند و تا مدت‌ها در پی راهی برای مقابله با زورگویی خان می‌روند، اهالی نیز کم کم با آنها همراه و همدل شده و به مرور به عنوان «یاعی‌های عاشق» معروف و به دردرسی برای خان تبدیل می‌شوند. خان تصمیم می‌گیرد این قاتله را با پایانی ناخوش برای آنها تمام کند. داستانی که احتمالاً تا پایان سریال باید منتظر نتیجه آن باشیم.

ادامه سریال سوگان، اما با شخصیت‌هایی دیگر پیش می‌رود؛ از «سوجان» دختری با درک و فهم بالا و مستقل گرفته که در کشاکش سختی‌های روزگار خود ساخته و قوی می‌شود تا پسرعمویش «قربان» که تا اینجای سریال به بله قربان گویی حقیر تبدیل شده است، فردی گماشته که با تملق و مجیزگویی سعی در پیشبرد اهداف خود دارد. او در پاسخ به میبلی‌جانه طلبانه حاضر شد چشمش بر روی عشق زندگی خود بندد و نه تنها به سوگان که حتی به «طلا» (که دل به سادگی و صفای کلامش داده است) هم خیانت کند.

«مادر جان» با بازی ثریا قاسمی، مادر بزرگی دانا و آگاه به زمانه است. او در موقعیت‌های مختلف در نقش یک حامی، راهنما و سنگ صبور برای دیگران ظاهر می‌شود. با دخترش «حوا» (حدیث نیکرو، بازیگر نام‌آشنای گیلانی) و دامادش «اسفندیار گیلانی» که مردی پاک‌دست و نیک‌نام است زندگی می‌کند.

«اسکندر» عمومی سوگان و پدر قربان (با بازی مه‌رمان رجبی) برعکس

